

بسمه تعالی

دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید بهشتی خراسان (ضوی

وامد شهید رجایی تربت میدریه

جلسه اول آموزش غیرمضوری

درس روانشناسی تربیتی - گروه ۱۷۵

مدرس : دکتر شعبانی

موضوع : رشد شناختی

منابع : - روانشناسی تربیتی - علی اکبر سیف

روانشناسی تربیتی - پروین کدیور

روانشناسی تربیتی - پیام نور

دانشجویان محترم گروه ۱۷ – درس روانشناسی تربیتی:

عیدسعید باستانی و اعیادفرخنده مذهبی را به شما وفانواده محترمتان تبریک عرض میکنم و موفقیت شما را در تمامی مراحل زندگی از خداوند متعال خواستارم .

با توجه به تعطیلی کلاس ها و درجهت استفاده مد اقلی از دوره قرنطینه ، با هماهنگی بخش آموزش ، محتوای آموزشی درسایت دانشگاه بارگذاری میشود . مطالعه محتوی باعث آمادگی شما جهت کلاس های مضوری و آزمون پایان ترم خواهد شد.

دانشجویان هرگونه سوال ، انتقاد ، یا پیشنهاد را میتوانند ازطریق نماینده کلاس منتقل کنند . یا در صورت ضرورت به شماره ۰۹۲۱۲۷۲۸۳۶۶ پیام رسانی کنند.

موفق و موید باشید . استاد روانشناسی تربیتی – دکتر شعبانی . ۹۹/۱/۸

موضوع : رشد شناختی کودک از دیدگاه پیاژه

به نظر پیاژه رشد شناختی و هوش تابع دو اصل عمومی است : یکی میل به سازگاری با محیط و دیگری میل به منظم کردن و شکل دادن فرایندهای فکری به صورت نظامهای همگن به نظر او ، هوش نمونه ای خاص از انطباق زیستی است که فرایند زیستی را به صورتی در می آورد که قابل استفاده باشد ، فرایندهای هوشی نیز تجارب کودک را به صورتی در می آورد که در تعامل با محیط مورد استفاده او قرار گیرد . پیاژه می گوید : « از نظر زیستی ، سازماندهی محیط از فرایند سازگاری قابل تفکیک نیست . این دو ، فرایندهایی مکمل برای یک مکانیسم وامدند .

مفاهیم سازگاری، درونسازی، برونسازی، سازماندهی و تعادل از واژه های اساسی در
(ویکرد شناختی پیاز) است

سازگاری یا سازگاری با محیط ، خود از طریق دو فرایند مکمل و به هم پیوسته
درونسازی و برونساز تحقق می یابد:

درونسازی و برونسازی : پیاز با این اعتقاد به مطالعه ماهیت شناخت و تحول آن در
کودک می پردازد که کودک موجودی است ذاتاً فعال و خودش علت اولیه اعمال
ذهنی اش است . بنابراین ، هر گونه شناخت در کودک از طریق تعامل فعال وی با
محیط خارج به وجود می آید . هوش ، توانایی برقراری کنش متقابل و کارآمد با
محیط است به (عم پیاز) ، هدف هوش ، سازگاری با محیط است . برای مبادله
کارآمد با محیط و سازگاری با آن، دو عمل مکمل یکدیگر نیز لازم است تا تجارب
فرد در قالب سافتهای شناختی یکپارچه شود . یعنی فرایندهای درونسازی و برونسازی
. هضم و جذب تجارب جدید ، یا از طریق یکی کردن با سافت ذهنی موجود انجام می
گیرد یا با ایجاد و توسعه سافتهای ذهنی جدید . به اعتقاد پیاز سافتهای ذهنی جدید
در صورتی ایجاد می شوند که سافت ذهنی موجود برای درک رویدادها جدید کافی یا
مناسب نباشد ، در این صورت ، کودک موظف می شود پاسفی سازگار و مناسب با
فصوصیات این رویداد جدید دهد . اما اگر این رویداد به سازگاری بیش از حدی نیاز
داشته باشد ، نادیده گرفته می شود و سازگاری صورت نمی گیرد . برای مثال ، رفتار

کودکی که برای اولین بار با توپی روبرو می شود ، می تواند بیان کننده اصول مورد نظر پیاژه باشد. کودک به وسیله تجارب قبلی خود با اشیاء ، مهارت‌هایی مانند نگاه کردن و چنگ زدن را در خود سازمان داده است و از این رو ، در رسیدن به هدف و کوشش برای برداشتن توپ از این تجارب سود می جوید . اگر کودک تجربه ای در برداشتن شیئی که غلطان است نداشته باشد ، نخستین کوشش‌هایش احتمالاً با موفقیت همراه نخواهد بود . بنابراین ، کودک با برونسازی شیء جدید ، یعنی با تخییر مهارت چنگ زدن که در آن ورزیده شده است و درونسازی این شکل جدید در سافت یا طرمواره خود از اشیایی که باید برداشته شود به سازگاری می رسد.

فرایندهای درونسازی و برونسازی نباید دو تابع مجزا باشند ، زیرا همواره با یکدیگرند ، مثالی در این زمینه می تواند مسأله را روشن کند . تصور کنید کودکی برای اولین بار یک گاو می بیند ، ولی از قبل ، طرمی از اسب در ذهن خود دارد ، وقتی از او می پرسند که « این چیست ؟ » کودک جواب می دهد : « اسب » . در این مثال ، کودک اطلاعات جدید (تصویر گاو) را گرفته و آن را در طرح اسب ، درونسازی کرده است . البته برای این که چنین درونسازی اتفاق افتد ، طرح اسب کمی تخییر می کند (برونسازی) تا اطلاعات جدید در آن جای گیرد (گلاور و برونینگ ، ۱۹۹۰) . در هر حال با تجربیات دیگر ممیطی و سازگاری با آنها (برونسازی) طرمواره های جدیدی شکل می گیرد که بعد از این می تواند قابلیت درونسازی دریافتهای کودک را داشته ، از سایر

طرمواره های متمایز باشد. در این مثال ، اگر کودک بتواند با دیدن گاو آن را تشخیص دهد طرمواره جدیدی از گاو تشکیل شده که با طرمواره اسب متفاوت است سازماندهی : به نظر پیاژه کودک دائم در تلاش است تا آن چه را که با آن از نظر شناختی سازگار شده است در قالب سافتهایی به مراتب منسجم تر و کارآتر سازمان دهد . سازماندهی را می توان فرایند شکل دهی الگوهای منسجم و منظم فکری دانست که با هدف کارآتر شدن انسان در تعامل با محیط انجام می گیرد .

مفهوم سازماندهی وقتی مصداق می یابد که کودک دو مهارت را با یکدیگر ترکیب کند و به مهارت پیچیده تری برسد . برای مثال کودک از یکی کردن دو مهارت ساده نگاه کردن و چنگ زدن ، به مهارت پیچیده ای مثل برداشتن چیزی ضمن نگاه کردن به آن می رسد .

سازماندهی و سازگاری با فرایند تعادل جویی تنظیم شده و طرمواره ها یا سافتهای ذهنی را به وجود می آورد . طرمواره ها بر سافتهای شناختی اولیه در دوران نوزادی مبتنی است ، ولی بتدریج با فرایندهای درونسازی یا جذب و برونسازی یا انطباق پیچیده تر می شوند . کودک به وسیله طرمواره ها ، بین تجارب خویش تمیز قائل می شود و آنها را از تجربه ای به تجربه دیگر تعمیم می دهد . برای مثال اگر اولین توپی که کودک می بیند کوچک و قرمز باشد ، وی آن را نمونه همه توپها تصور می کند ولی وقتی توپهای دیگری ببیند که رنگ و اندازه های متفاوتی دارند ، میل کودک

به تعادل جویی باعث می شود که ناهماهنگی موجود بین تجربه قبلی و بعدی در مورد توپ را به کمک دو فرایند برونسازی و درونسازی از بین ببرد و به مفهوم گسترده تری از توپ برسد . سرانجام، زمانی فرا می رسد که کودک باتصورری که از توپ داردمی تواند انواع آن را تشخیص دهد و خصوصیات مشترک آنها را دریابد. عوامل موثر در تمول شناختی از دیدگاه پیاژه ، به نظر پیاژه ، چهار عامل در تمول شناختی کودک تأثیر دارد که عبارتند از : پرسش ، تجربیات محیطی ، تعاملهای اجتماعی و تعادل جویی . نظریه های پیاژه ، معطوف به نقش عوامل زیستی در تمول شناختی کودک است ولی نمونه سازگاری و سازماندهی فرایندهای هوشی تابع دو عامل محیط و پیشینه یادگیری فرد است ، اما در مقابل ، گرایش به سازماندهی فرایندهای هوشی و برقراری سازگاریهای ویژه با محیط را به ارث می برد . به بیان دیگر پیاژه ، بلوغ زیستی فرد در طول زمان اشاره دارد تا به وراثت در تمول شناختی . با همه اهمیتی که پیاژه برای بلوغ زیستی قائل است ، توانایی های شناختی کودک ، حاصل تعامل او با محیط است . پیاژه به درک چگونگی فعالیت ذهن علاقه مند است و می فواید بداند که فرد در تقابل با جهان پیرامون فویش چگونه عمل می کند .

پیاژه در عمل متقابل با جهان پیرامون ، بین تجربیات محیطی و تجربیات اجتماعی تفاوت قائل است . به نظر او نوع تجربه هایی که کودک از طریق کار روی اشیاء به

دست می آورد ، در تمول شناختی او موثر است . ولی محیط اجتماعی او نیز او اهمیت ویژه ای برافزودار است و از آن میان ، پیازه بر نقش زبان در بازنمایی ذهنی اعمال تأکید دارد . البته برخلاف نظر برونر پیازه زبان را عامل به وجود آورنده هوش نمی داند بلکه زبان را تسهیل کننده تمولات شناختی از جمله هوش به حساب می آورد . به نظر پیازه گروه همسالان نیز در میان عوامل اجتماعی نقش ویژه ای در تمول شناختی کودک به عهده دارند .

« به نظر نمی رسد که عوامل زیستی (رشد داخلی) تجارب کسب شده و تعاملهای اجتماعی برای تبیین فرایند تمول کافی باشد ، بلکه باید عامل چهارمی را به آن افزود که همانا تعادل جویی است »

به نظر پیازه ، فرایندهای هوشی از طریق فرایند تعادل جویی تنظیم می شوند تعادل جویی از اشکال خود تنظیمی است که به کودک فرصت می دهد تا شناخت پایدار و همگنی از محیط به دست آورده ناهماهنگی های موجود در تجربیاتش را تشخیص دهد . به اعتقاد پیازه ، کودک با این فرایند ، نقش فعالی در تمول شناختی خویش ایفا می کند .

تقسیم بندی مراحل (رشد شناختی)

پیاژه فرایندهای شناختی را از بازتابهای اولیه نوزاد تا تفکر انتزاعی در چهار مرحله بررسی می کند : دوره حسی و حرکتی ، دوره پیش عملیاتی ، دوره عملیات عینی و

دوره تفکر انتزاعی . به نظر پیاژه رشد شناختی آدمی در جریان مراحل به وجود می آید که از نظر کیفی و کمی با یکدیگر متفاوتند . هر یک از مراحل رشد شناختی ، سافت و عملکرد ویژه خود را دارد و یکی بر دیگری بنا می شود . یعنی هر سافت در عین حال که محصول یک مرحله را تحقق می بخشد ، نقطه آغاز مرحله بعدی نیز هست . انتقال از یک مرحله به مرحله بعدی ، تابع قانون استلزام است که شبیه فرایند یکپارچگی است . سافتار آغازین ، خود بخشی از سافتار بعدی است . هر کدام از مراحل با نظم مشخص و در زمانی نسبتاً معین ظاهر می شود . نظم موجود در پیشرفت مراحل ، پایدار و ثابت و در همه افراد همانند است ، ولی هر فرد ضمن پیروی از طرحهای عمومی رشد شناختی ، ویژگیهای رشدی خاص خود را دارد .

پیاژه مفهوم عملیات را برای توضیح چگونگی اکتساب نگهداری ذهنی به کار می برد و آن را « درون کنشی که سافت ذهنی را تغییر می دهد » تعریف می کند . مهمترین مشخصه عملیات برگشت پذیری آن است ، یعنی آگاهی به این که وضع فعلی می تواند به اصل خود بازگشت یا برگشت داده شود . در مورد آزمایش لوله ها کنش درونی شده ، باعث می شود کودک بتواند در ذهن خود ، آب ریخته شده در یک لوله را به لوله دیگر برگرداند ، ولی مدتی قبل کودک در مرحله پیش عملیاتی قرار داشت و نمی توانست تعدیل هایی نظیر برگشت دادن را انجام دهد .

-----پایان جلسه اول غیرمضوری ----- موفق باشید -----